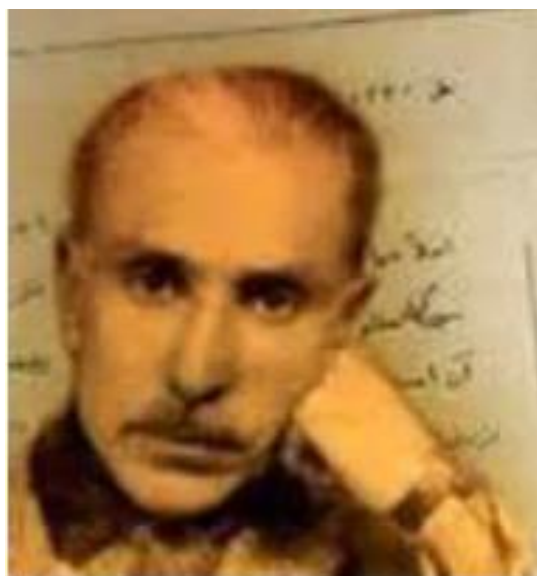


بنیاد فرهنگی کهزاد



اولین معاهده افغان و انگلیز در یکنیم صد سال پیشتر

میر غلام محمد غبار

اولین معاهده افغان و انگلیز

در یکنیم صد سال پیشتر

میر غلام محمد غبار

بنیاد فرهنگی کهزاد

اواخر قرن هجدهم مسیحی، در دنیای شرق و غرب، دوره یک تحول بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود. در اروپا این دوره را «دوره ناپلیون» مینامیدند و در آسیا آنرا بایستی «دوره پیشرفت جهانگیران غربی» خواند. در هر حال هنگامیکه بریتانیای عظمی قدم بقدیم در براعظم هند پیش میرفت، دولت افغانستان در پایتخت کابل قشون مجهزی تشکیل کرده بود. در جنوب هندوستان نیز «تیپو صاحب» به سنت پدر نامدارش «حیدر علی» خطه «میسور» را بشکل یک دولت نظامی درآورده بود. این هر دو قوت بود که آقائی «کمپنی یونایتد ایست اندیا» را تهدید مینمود. خصوصاً که ناپلیون در جبهه های غرب و شرق این خطر و تهدید را تقویه مینمود.

اما چنانکه ماشین نظامی بریتانیا تیپو را در هند بشکست، دیپلوماسی آن دولت هم توانست توسط اعزام نماینده های خود، دربار فتح علی شاه قاجار را، بر ضد افغانستان و زمان شاه ابدالی بکار اندازد و در نتیجه سوقيات قاجاری در شمالغرب افغانستان و اشتعال خانه جنگی های دربار ابدالی، زمان شاه با طرحهای نظامی خودش یکجا از میان رفت. ولی تهدید فرانسه هنوز بقوت خود باقی بود، خصوصاً بعد از آنکه ایران از روسیه زاری شکست خورد و «گرجستان» را از دست داد و در چنین وقتی نماینده ناپلیون که خود با روسیه داخل جنگ بود، به طهران رسیده تمام مقدمات سیاسی «سر جان مالکم» را که در سال 1800 چیده بود، از بین برد و متعاقباً جنرال «گاردن» فرانسوی برای سر و صورت دادن اردوی قاجاری وارد ایران گردید.

البته این حرکات فرانسه در همسایگی هندوستان باعث اضطراب بریتانیای کبیر بود. اینست که مجدداً دولت انگلیس متوجه افغانستان گردید و لارد «منتو» ششمین گونر جنرال انگلیسی هند، آنکه از سال 1807 تا 1813 در هندوستان مقبوضه فرمان میداد، در سال 1809 سفارت مختار و فوق العاده بریاست «منستیوارت الفنستن» بدربار شاه شجاع ابدالی، پادشاه افغانستان اعزام نمود. این هیئت سفارت بعلاوه مطلب سیاسی، بارخانه در معیت خود داشت که حامل اشأ و هدایای قیمتداری بود از قبیل: آینه های قدنما، ظروف بلورین، صندوقچه های ساز خود آواز، دوربین ها، و تفنگچه ها. در بین این تحایف از همه مهمتر «بالا پوش زردوزی» بود که از جانب شخص پادشاه انگلستان بعنوان پادشاه افغانستان با دو زنجیر فیل فرستاده شده بود.

در چنین وقتی شه شجاع در شهر پشاور اقامت داشت زیرا نائب الحکومه افغانی ولایت کشمیر، عطا محمد خان پسر مختارالدوله منحرف گردیده بود و شه شجاع از پشاور یک فرقه دوازه هزار نفری تحت قوماندۀ شهزاده منصور و محمد اکرم امین الملک بغرض تنبیه او و تنظیم کشمیر اعزام مینمود. پس سفارت انگلیسی در همین شهر به حضور پادشاه افغانستان باریافت و بعد از چندین ملاقات و مذاکره برای انعقاد یک معاهده «اتحاد دفاعی» موافقت طرفین حاصل شد. اینست که برای بار اول در تاریخ هر دو کشور این معاهده بشکل ذیل بمیان آمد:

"از آنجا که بسبب ظهور تمهیدات عنوان موافقت و مرافقت از طرف قوم فرانسه با پادشاه ایران به اراده یورش آوردن بر ممالک سرکار عظمت مدار، پادشاه در دران و بعد از آن در ممالک سرکار دولت انگلیس متعلقه کشور هند، جناب شهامت و بسالت مرتبت، نبالت و ایالت منزلت، امیر الامرا العظام، فراست و کیاست ارتسام، مستر الفنسطن بهادر بجهت این معنی مأمور شد که باتفاق و استصواب کارکنان حضور بالنور اعلیحضرت فلک رفعت، قمر طلعت، ناهید بهجت، عطارد فطنت، خورشید مرتبت، بهرام صولت، برجیس سعادت، کیوان منزلت، سکندر حشم، جمشید خدم، قان دربان، قیصر پاسیان، ضل ظلیل کردگار جلیل، حامی مراسم معدلت، ماحی آثار بدعت، المؤید بتائدات الله پادشاه سپهر بارگاه کابل، طرح انداز سر رشته حفظ و حراست ممالک هر دو سرکار عالم نامدار از آسیب یورش متخیاله قوم فرانسیس و قاجار شوند. چنانچه از طرف جناب جلالت و عظمت و اقبال مآب، حشمت و فخامت و اجلال نصاب، اریکه آرای قوت و اقتدار، و وساده پیرای قدرت و اعتبار، محرم حقایق ملت مسیحیه، مشیر خاص دولت انگلیسیه، رموزدان احکام سلطانی، مقرب بارگاه جهانیانی اشرف الامرا لارد منتو گونر جنرال بهادر، مالک و مختار جمیع امور مالی و ملکی و عسکری متعلقه ممالک فسیح المسالک سرکار انگلیس بهادر واقعه دیار هند، بدربار فیض آثار پادشاه ممدوح، متعین و مأمور، و بسعادت تلثیم عتبه علیه فایض و مستعد شده، و مقصود دوستانه افادت انتمای تعیینات خود را بمعرض عرض و اظهار حضور باهرالنور پادشاه ممدوح درآوردند و پادشاه ممدوح نیز فواید و منافع سر رشته موافقت و مرافقت هر دو دولت دوران عدت را در بین باب بنظر حق بین دیده بوجه احسن و روش مستحسن فهمیده، بکاربرد از آن سرکار خود حکم فرمودند که با سفیر موصوف سوال و جواب نمایند و لحاظ سود و بهبود هر دو سرکار جهان مدار را داشته عهدنامه دوستی شمامه، یک جهتی ختامه فیما بین دولتین قوی شوکتین علییتین موثق گردانند. و در اینصورت بفضل و عنایت لم یزلی قطعه عهدنامه مشتمل بر چند شرط در میان کارگذاران موصوف، و سفیر دولت انگلیس بهادر، حسن انتساق و بمهر خاص میمنت اختصاص پادشاه ممدوح درجه منظوری یافت. چنانچه سفیر موصوف نقل عهدنامه مزبور را بعالی خدمت فیض موهبت گورنر جنرال بهادر معزی الیه جهت مهر و دستخط ارسال داشته بودند و شرایط مندرجه آن پیش نواب صاحب معزی الیه بلا تغییر و تبدیل مقصد و معنی منظور شده بالفعل نقل دفعات عهدنامه مزبور بموجب تفصیل ذیل بمهر و دستخط نواب معزی الیه و نیز دستخط امرائی که در انتظام امور این ریاست شریک اند مرسل گشت و مستلزماتیکه ایفای آن چه در حال و چه در مال ابدالهر بر

ذمت هیمت اولیای هر دو دولت ابد مدت واجب و لازم خواهد بود، محض از روی مضامین و فحوای کلام موافقت آگین دفعات مزبوره که در ذیل تحریر یافت، مشخص و مستنبط خواهد گردید:-

اولاً آنکه چون طائفه فرانسیسه و قاجاریه با هم در مخالفت دولت درانیه متفق شده اند، هرگاه خواسته باشند که در ممالک سلطانی عبور نمایند چاکران درگاه آسمان جاه پادشاه ممدوح سد راه آنها شده حتی المقدور در مجادله و ممانعه آنها کوشیده نگذارند که عابر و قاصد هند متعلقه انگلیسیه شوند.

ثانیاً آنکه اگر فرانسیسیان و قاجاریه به معاهده خودها عازم ملک پادشاهی شده لشکر کشی نمایند، کارکنان دولت انگلیسیه بجهت تدافع آنها قصوری نورزیده از اخراجات جهت مهم مزبور خود را معاف نداند و هرگاه قرار داد معاهده فرانسیس و قاجار بر قرار هم نباشد، این دو مطلب که مرقوم خامه مشکین شمامه گردید، برقرار بوده، از طرفین بوقوع رسد.

ثالثاً آنکه فیما بین این دو دولت دوستی و یگانگی همیشه بر قرار بوده حجاب بیگانگی از میان مرتفع باشد و بمملکت یکدیگر بهیچگونه مداخلت نه نمایند و پادشاه ممدوح از فرانسیسیان احدی را در ملک خود راه ندهد.

و چون خیرخواهان دولتین عهدنامه را باین وجه نگار نمودند و از طرفین رسوخ ثبات بعمل آمد مراقبه هذا بمهر و دستخط نواب صاحب ممدوح و دستخط دیگر امرای شریک امور انتظام این ریاست در تاریخ 17 جون 1809 مساوی 12 جمادی الاول 1222 سمت تحریر یافت."

باینصورت در برخورد نخستین سیاسی افغان و انگلیز دیپلوماسی بریتانیا بسهولت موفق شد که دولت افغانستان را بدون هیچگونه منافعی یکطرفه و بمصالح امپراطوری خود پابند نماید در حالیکه خودش شش سال بعد طبق عهدنامه که با فتح علی شاه قاجار بست مفهوم «اتحاد تدافعی» افغان و انگلیز را نقض نمود و متعهد شد که در جنگ افغانستان و ایران بیطرف بماند. در هر حال طوریکه برای یکصد سال دیگر همیشه انگلیز ها در عقد معاهدات با افغانستان موفق بوده اند، افغانستان در ساحه جنگهای متعدد با انگلیس غالب و فیروز گردیده اند.

م. غبار

/مجله آریانا شماره دهم ، اول عقرب سال 1339/ بنیاد فرهنگی کهزاد 18 می 2015/